

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۰ جولای ۲۰۲۱

اعتصاب، مدرسه انقلاب!

بیش از دو هفته است که اعتصاب کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی و گاز برای دست یابی به بدیهی ترین مطالباتشان ادامه دارد. اما در این فاصله نه کارفرمایان و نه دولت گامی در جهت حل مشکلات کارگران برنداشته‌اند و به عکس آنها با تهدید به اخراج کارگران تلاش کرده‌اند در اراده کارگران جهت ادامه اعتصاب اخلال ایجاد کنند. اعتصاب در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی که از شریان های اصلی اقتصاد ایران به شمار می روند در طول حاکمیت ضد کارگری جمهوری اسلامی کمتر سابقه داشته است. اما امروز شاهدیم که هر چه اعتصاب در این صنایع بیشتر ادامه می یابد با حمایت کارگران بیشتری مواجه شده و بار سراسری بیشتری پیدا می کند. کارگران در برخورد به این اعتصاب، تاکنون جز مقداری وعده های دروغین، پاسخی از شرکتهای پیمانکاری و دولت روحانی و دار و دسته رئیسی دریافت نکرده اند.

برای مقابله با اعتصاب کارگران در صنایع مذکور، کارفرمایان که از حمایت دولت مدافع سرمایه داران جمهوری اسلامی برخوردار می باشند، در همان آغاز در هراس از سراسری شدن این اعتصاب با دست پاچگی اقدام به اخراج ۷۰۰ کارگر پیمانی در پالایشگاه تهران نمودند تا بلکه بتوانند با چنین حربه ای کارگران در بخش های دیگر این صنایع را از دست زدن به اعتصاب و پیوستن به هم طبقه ای های خود در پالایشگاه تهران باز دارند. حتی در ادامه سیاست سرکوبگرانه پیمانکاران پالایشگاه تهران شرکت کنسرسیوم سازه و جهان پارس نیز کارگران را تهدید نمود که اگر تا روز شنبه ۱۲ تیرماه سر کار برنگردند حقوق ماههای ازدیهشت و خرداد آنها را پرداخت نخواهند کرد. در همین حین در ۱۴ تیرماه خبر رسید که شماری از کارگران پتروشیمی گچساران توسط شرکت تیام صنعت از شرکت های طرف قرارداد پتروشیمی گچساران اخراج شدند. با این حال اقدامات ضد کارگری صورت گرفته نتوانست از پیوستن کارگران شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در سراسر کشور به اعتصاب جلوگیری نماید.

در عسلویه که یکی از مراکز اصلی این اعتصاب می باشد کارفرمایان در جهت بازداشتن کارگران از تداوم اعتصاب خود با قطع آب و غذا و اخلال در سرویس های ایاب و ذهاب عملا امکان تردد کارگران برای تهیه نیاز های غذایی خود را ناممکن ساخته اند تا به این وسیله بتوانند کارگران را از خوابگاه های خود بیرون کرده و فشار به کارگران اعتصابی را فزونی بخشند. در این بخش سرمایه داران زالو صفت به امام جمعه نیز متوسل شده اند و او در یک اقدام

نمایندگان کارگران را جمع نموده و سعی کرد کارگران را از اقدام به راهپیمایی در شهر و یا انجام شکل های دیگر مبارزه باز دارد و کارگران را در رابطه با عواقب این کار تهدید کرد.

از ۲۹ خرداد که اعتصاب در صنایع مهم کشور شکل گرفت تا کنون که بر اساس آخرین گزارشات، بیش از ۸۲ واحد صنعتی به اعتصاب پیوسته و همبستگی خود را با کارگران شروع کننده حرکت اعلام کرده اند، دولت روحانی و شرکت نفت، هیچ گام عملی و واقعی در جهت تحقق خواستهای کارگران بر نداشته و شرکت نفت حتی مدعی شده است که چون طرف قرارداد کارگران شرکت های پیمانکاری می باشند موضوع به شرکت نفت ربطی ندارد. اما اگر چه امروز سپردن استثمار و مکیدن شیر جان کارگران به پیمانکاران از طرف صاحبان اصلی صنایع در ایران به امری متداول تبدیل شده است، ولی این به گردن شرکت های اصلی است که شرایط را برای باروری کار آماده نمایند. بر این اساس قانون خود جمهوری اسلامی تصریح نموده است که وقتی شرکت پیمانکار از اجرای وظایف خود باز می ماند این وظیفه شرکت اصلی است که دخالت کرده و پیمانکار را به اجرای تعهداتش مجبور سازد. با این حال شرکت های مذکور از انجام وظیفه ای که قانون دولت متبوع و مدافعشان وضع کرده است سرباز می زنند. آنهم در شرایطی که مطالبات کارگران خواستهای بدیهی و بر حقی می باشد.

کارگران اعتصابی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی با توجه به تورم روز افزون خواهان افزایش حقوق و پرداخت به موقع دستمزد خود می باشند. همچنین آنها تاکید دارند که با توجه به گرانی ارزاق عمومی حقوق کارگران ساده به هیچ وجه نباید کمتر از ماهی ۱۲ میلیون تومان باشد. یکی دیگر از مطالبات آنها با توجه به این که دور از خانواده و در خوابگاه محل کار خود به سر می برند این است که بیست روز کار کرده و ده روز مرخصی داشته باشند تا بتوانند به خانواده خود سر زده و تجدید قوا کنند. در حالی که در حال حاضر آنها در هر ماه ۲۴ روز کار می کنند و صرفاً ۶ روز مرخصی دارند. البته در کنار این خواستهای کارگران خواهان امنیت شغلی، امنیت محیط کار و ارتقاء سطح بهداشت خوابگاه ها هم می باشند.

یکی از ویژگی های اعتصاب در صنایع یاد شده سراسری بودن آن می باشد. نکته قابل توجه این است که هر چه مدت بیشتری از اعتصاب می گذرد همبستگی داخلی و خارجی از کارگران اعتصابی فزونی گرفته و اراده کارگران برای تداوم اعتصاب قوی تر می گردد. این اعتصاب در زمانی شکل گرفته است که در کل جامعه شاهد اعتراضات و اعتصابات روزمره هستیم. به واقع روزی نیست که خبری از تجمعات و اعتراضات از پزشکان و دارو سازان گرفته تا کشاورزان، باز نشستگان و کارگران شهرداری ها در چهار گوشه کشور شنیده نشود. این واقعیات بیانگر آن است که سیاست هائی که جمهوری اسلامی در جهت تأمین منافع سرمایه داران داخلی و امپریالستهای ذینفع در ایران دنبال می کند نه فقط زندگی و معیشت کارگران بلکه همه اقشار و گروه های اجتماعی تحت ستم در ایران را آنچنان مورد حمله قرار داده است که هر روز شاهد اعتراض دسته جدیدی از توده های تحت ستم می باشیم.

در برخورد به کارگران اعتصابی، در شرایطی که دولت روحانی دورانش پایان یافته و رئیسی با دولتش در حال کسب کنترل دولت می باشند، دار و دسته رئیسی تا کنون چندین بار تعدادی از کارگران اعتصابی را دیده و از این صحبت کرده اند که کنترل کل پروژه پارس جنوبی در عسلویه را به شورای اسلامی کار محول خواهند کرد. این در حالی است که کارگران در تجربه خود دیده اند که هر جا کار به دخالت شورای اسلامی رسیده حقوق و مطالبات کارگران پایمال دخالتهای این نهاد رژیم ساخته گشته است. به همین دلیل هم چنین پیشنهاداتی با مخالفت کارگران آگاه مواجه شده است.

هر چند که در طول نزدیک به ۴۳ سال سلطه جمهوری اسلامی همواره کارگران ایران در صف اول اعتراض قرار داشته اند، اما باید تأکید کرد که اعتصاب سراسری کارگران پیمانی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی فراز جدیدی از

اعتراضات این طبقه می باشد. این واقعیت نشان می دهد که چگونه کارگران ما در جریان اعتصابات خود تجربه اندوخته و خود را برای حرکت های بعدی آماده می سازند. تنها مقایسه اعتصاب این بار کارگران پیمانی که با حمایت گسترده کارگران و اقشار مختلف مواجه شده با اعتصاب ده هزار کارگر پتروشیمی در ماهشهر در سال ۱۳۹۲ که به رغم گستردگی و حتی راهپیمائی کارگران در شهر، انعکاس عمومی وسیعی نیافت نشان می دهد که کارگران در این فاصله چه تجربه بزرگی کسب نموده و چگونه توانسته اند اعتصاب خود را در زمانی و با مطالبه ای برپا دارند که هر چه بیشتر در استانهای مختلف و واحد های صنعتی گوناگون کشور گسترش یابد. بی دلیل نیست که در جنبش کارگری همواره گفته شده که اعتصاب "مدرسه جنگ" است، مکتبی که کارگران در آن می توانند فرا گیرند که چگونه باید بر علیه کل طبقه سرمایه دار و دولت حامیش بجنگند تا راه رهائی واقعی کارگران هموار گردد.

شرایط سیاسی کشور و توازن قوای موجود بین کارگران و کارفرمایان ز الو صفت اجازه نمی دهد که با قاطعیت سر انجام این حرکت سراسری بزرگ را پیش بینی کرد. اما بدون تردید باید گفت که این اعتصاب همچون بقیه اعتصابات کارگری تجارب مبارزاتی غیر قابل انکاری برای هموار کردن راه جهت رهائی از استثمار در اختیار کارگران ایران خواهد گذاشت. این اعتصاب نیز همچون دیگر حرکت های مبارزاتی کارگران به آنها خواهد آموخت که چگونه باید برای کسب مطالباتشان بجنگند و چرا رهائی واقعی آنها وابسته به نابودی نظام سرمایه داری حاکم و سرنگونی رژیم حامی این سرمایه داری وابسته به سیستم جهانی امپریالیسم یعنی جمهوری اسلامی می باشد. درس های این اعتصاب سراسری ارزشمند یک بار دیگر روشنی بخش این حقیقت خواهد بود که بدون مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و همراه با آن مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران کارگران به آزادی دست نخواهند یافت و خواهند آموخت که نابودی این جرثومه های فساد و تباهی تنها با توسل به مبارزه مسلحانه امکان پذیر می باشد.